سرخط

■ **مهر:** مصطفی کواکبیان، دبیرکل حزب مردم‌سالاری با بیان اینکه ما هر چه می‌کشیم از دولت روحانی می‌کشیم، گفت: اصلاح‌طلبان هر ضربه‌ای که در افکار عمومی خوردند از دولت روحانی خوردند.

■ **فارس:** رزمایش مدافعان آسمان ولایت ۹۹ از امروز در منطقه‌ای به وسعت بیش از نیمی از کشور، به صورت مشترک بین ارتش و سپاه با هدایت و کنترل عملیاتی قرارگاه پدافند هوایی کشور آغاز می‌شود.

یادداشت

داود عامری

صلح با چه معیاری

این روزهـا در محافل مختلف سیاسـی و عرصه رسـانه‌های مجازی و مطبوعات، صحبت‌های مختلفی در خصوص صلح به گوش می‌رسد.

با توجه به اینکه نگارنده سال‌هاست در حوزه مطالعات صلح فعال بوده و در این خصوص به صورت تاریخـی و میدانی مباحث صلح را پیگیری می‌نماید و از منظر یک فعال مدنی که گفتمان صلح عادلانه را در جهان متناسب با دیدگاه‌های ایرانی-اسلامی مطرح کرده، بدون اینکه بخواهد تعرضی به کسی داشته باشـد از لحاظ مبانی شناسی صلح به نکاتی در این باره می‌پردازد.

نخستین بحث در خصوص صلح، توجه به تعاریف و شناخت آنهااست. واژه صلح بسته به دیدگاه‌ها و منافع کشورها و همچنین به جهت اینکه دارای تعاریف مختلفی است، بایستی به دقت تعریف شود. صلح به معنای سازش با دشمن و راضی کردن او نیست. لازم است وقتی کارشناسی چه به عنوان یک نظریه پرداز و چه در جایگاه یک مسئول، می‌خواهد در خصوص صلح سخنی بگوید و یا اظهار نظری داشته باشـد، تعریف صلح را به‌درستی بشناسد. البته در اینکه صلح یک خیر احسن است و نص صریح آموزه‌های قرآن کریم و پیامبر اعظم(ص)، جامعه اسلامی را به سوی صلح رهنمون می‌سازد، شکی در آن نیست، اما در طرفداری از صلح نیز لازم است، به تعریف واحدی از صلح موردنظر در نظام اسلامی توجه کرد.

آموزه‌های اسلامی، صلح را بر محور و با ابتنا به عدالت توصیه می‌کند و آن صلحی خیر احسن نامیده می‌شود که بر محور عدالت و صداقت باشد. بنابراین، باید گفت که علت اختلاف بین گروه‌ها و کارشناسان فعال در عرصه‌های سیاسی در حوزه صلح، به خاطر فقدان تعریف دقیق از صلح است. و الا گمان نمی‌رود که یک فعال سیاسی در کشور با صلح مخالف باشـد، بلکه این اختلافات به سبب توافق نداشـتن روی تعاریف اتفاق می‌افتد. صلحی که در آن عدالت و کرامت ایرانیان و بهتر است بگوییم، همه انسان‌ها رعایت گردد، بسیار مطلوب و خواست قلبی ایران اسلامی است و غیراز این جواب معلوم است.

دومین نکته در خصوص گفت‌وگوهای صلـح، غفلت از موضوع صلح اسـت. این روزها حلقه اصلی که مفقود به نظر می‌رسـد، این اسـت که ما با چه کسـی باید صلح کنیم. اصلاً موضوع جنگ ما چیست؟ و باید در چه موضوعاتی برای مذاکرات صلح بنشینیم؟ خواسته واقعی ما در این صلح چیسـت؟ و چه چیزی می‌خواهیم به دست بیاوریم؟ اینها سؤالات مهمی هسـتند که پیش از هر چیزی باید پاسخ روشن به آنها داده شود.

اگر ما تحت فشار دشمن بخواهیم تن به مذاکره و صلح بدهیم، طبیعتاً در چنین شرایطی، حفظ کرامت و عزت کار دشواری خواهد بود و نتیجه چنین صلحی به عدالت نزدیک نخواهد بود. به قول یکی از سیاستمداران اروپایی، مذاکره با دشـمنی که گریبان شما را در دست دارد، حماقتی بیش نیست. پس اگر قرار است در خصوص صلح در کشور صحبت کنیم و سناریوهای آن را بچینیم، این اتفاق نباید از سر استیصال و رهاسازی گریبان باشد، بلکه برای احقاق حق، حق بر صلح و رسیدن به آرامش و پیشرفت در سایه صلح عادلانه است.

نکته سوم، با توجه به اینکه ایران اسلامی در شرایط حاضر با هیچ کشور خارجی در حال جنگ سخت نیست تا بخواهد آتش‌بسی اتفاق بیفتد و فضای بین دو جبهه آرامش نسبی برای گفت‌وگو پیدا کند، بنابراین باید به صورت تخصصی در خصوص موضوعات مورد منازعه وارد بحث شد.

برای مثال، وقتی دشمن با ما وارد جنگ اقتصادی و یا فرهنگی شده اسـت، ما باید به گزینه صلح در حوزه اقتصاد و فرهنـگ فکر کنیم. نظرات و دیدگاه‌ها را دقیقاً معطوف بـه آن حوزه قرار دهیم تا بتوانیم نتایج موردنظر را به‌درستی، در مذاکرات صلح تبیین و در داخل نیز، افکار عمومی را نسبت به پیامدهای آن توجیه کنیم.

نکته چهارم شناخت دقیق قدرت در جهان است. اینکه با چه کسانی پای میز مذاکره برای صلح باید نشسـت، امر مهمی است که نباید از آن غافل شـد. نباید وقت و انرژی خود را در جایـی هزینه کنیم که طرف مقابل صلاحیـت تصمیم‌گیری و در نهایت قـدرت پایبندی و اجرای توافقات را ندارد. نمونه چنین تجربه‌ای را ما در برجام به عینه مشاهده کردیم.

دولت‌های اروپایی با ما وارد مذاکرات جدی شدند، اما گذر زمان نشان داد که با خروج امریکا از برجام و کارشکنی‌های ترامپ، عملاً با وجود اظهارات سران کشورهای اروپایی مبنی بر پایبندی به توافقات انجام شده، توانایی اجرای تعهدات خود را نداشتند. حتی دولت اوباما نیز با وجود توافقات خود با ایران اسلامی، عملاً اختیار اجرای تعهدات خود را نداشت. بنابراین، باید گفت که شناخت لابی‌های قدرت و تأثیرگذار بر تصمیمات جهانی در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای بهره‌مند است.

هیچ‌کس در خیر بودن صلح شـکی ندارد، اما آنچه مهم است، ابتنای صلح بر محور عدالت و حفظ کرامت انسانی است و این یک صلح صادق و مثبت خواهد بود و اگر چنین نباشـد، دیگر صلح نیست و ریشه در اصلاح و عدالت ندارد و پیامد آن هیچ خواهد بود و نتیجه‌اش از دست رفتن کرامت ایرانیان اسـت که در طول تاریخ عزت و پایداری خود را حفظ کرده‌اند و به قول غیورمرد ایران زمین، ستارخان، اگر یک روز از زندگی مان باقی مانده باشد، آن یک روز را هم برای استقلال و حفظ کرامت ایران خواهیم جنگید.

و اما باید توجه داشـت که آنچه امروزه در فضای رسـانه‌ای در خصوص صلح گفته می‌شود، برخی آن را به معنای سازش تلقی می‌کنند و هر گونه صحبت در خصوص صلح و مذاکره را از دم تیغ انتقاد و پشـت کردن به آرمان‌ها می‌گذرانند و عده‌ای دیگر نیز که اندکی لحن آرام‌تری دارند و صلح را معادل آرام‌سازی تلقی می‌کنند، در نهایت برآیند آن را سودمند به حال کشور ارزیابی نمی‌کنند و مطلوبیت‌های لازم را در فضای آرام‌سازی تصور نمی‌کنند و طبیعتاً موضع‌گیری‌های این افراد، غالباً در مقابل کسانی است که طرفدار آن هستند. باید گفت که نباید واژگان را از دایره تعریف خود خارج کنیم. وقتی صحبت از صلح می‌شود، آن را متناسب با معنا و تعاریف خود مد نظر قرار دهیم و همچنین در هنگام صحبت از سازش، دقیقاً به تعاریف و معانی آن توجه کنید و همچنین نباید هیچ مذاکره‌ای را به معنای صلح تلقی کنیم. حتی توافقات صورت گرفته در خصوص بعضی مسائل به معنای صلح نیست، بلکه صرفاً یک توافق برای تدبیر امور است.

صلح راضی کردن دشمن به هر قیمت نیست که ما از مکتب پیامبر مکرم اسـلام آموخته‌ایم که مقاومت و تن دادن به سختی‌های آن، بر تحقیر شدن و از دست دادن عدالت و کرامت ترجیح دارد. تجربه تاریخی نیز به ما آموخته است نباید زمان مذاکره با دشمن تحمیلی باشد، بلکه باید در موضع قدرت و با اراده ما باشد، در غیراین صورت نتیجه آن همان گونه که گفته شد، هیچ خواهد بود و نه تنها گرهی از مشکلات کنونی را باز نخواهد کرد، بلکه به دشمن این پیام را می‌دهد که دستمان تهی است و می‌تواند خواسته‌های دیگر خود را نیز به ما تحمیل کند. هر اقدامی در این خصوص باید مبتنی بر عقلانیت، تدبیر، عدالت، عزت و حفظ کرامت شایسته ما ایرانیان باشد و منافع میهن و ارزش‌های ما را تأمین کند.

یادمان نرود که از کودکی به ما آموخته‌اند که چو ایران نباشـد تن من مباد. هویت و عزت این سـرزمین محب اهل بیت (ع) بر هر چیز دیگر ارجحیت دارد.

گزارش

خوداتکایی دفاعی از دل تحریم‌ها ایجاد شد

سخنگوی دولت: هراس امریکا از فروپاشی سازمان تحریم‌هاست

میثم علاقمندان | ایرنا

سخنگوی دولت با تأکید بر این نکته که تقویت خوداتکایـی در تولیـدات دفاعـی از درون تحریم‌های تسلیحاتی بیرون آمده است، هراس و عصبانیت امریکا را نه از تسلیحات که از آغاز فروپاشی سازمان تحریم‌ها در سایر حوزه‌ها از جمله دارویی، بانکی و اقلام بشری عنوان کرد.

علی ربیعی، سخنگوی دولت روز گذشته در نشست خبری با خبرنگاران گفت: نتیجه تحریم‌ها در طول زمان چیزی جز تقویت خوداتکایـی در تولیدات دفاعی کشورمان ایران نداشـت. نه این تحریم‌ها توانایی دفاعی ایـران را محدود کرد و نـه امروز با برداشته شدن این محدودیت‌ها در مسیری که در پیش گرفته بودیم تغییر تازه‌ای رخ خواهد داد.

او افزود: مبانی تحریم تسـلیحاتی ایـران بر ایران هراسی دروغین بوده است و از اساس فاقد وجاهت بود و موجب تقویت خوداتکایی در توانایی دفاع ایران شد. وی با بیان اینکه از تبدیل شدن منطقه به انبار تسلیحات نگرانیم، افزود: یکی از دستاوردهای دولت در عرصه بین‌الملل که براساس حقانیت جمهوری اسـلامی ایران و نتیجه مقاومت جامعه ایران بود، برداشته شدن محدودیت‌های تسلیحاتی ایران بود که یک دستاورد مهم در عرصه بین‌الملل به شمار می‌آید. سخنگوی دولت گفت: به رغم مخالفت‌ها و فشارهای سیاسـی و زیاده‌خواهی‌های امریکا و رژیم اسرائیل این محدودیت‌ها برداشته شد. جامعه جهانی نیز یک سال اخیر استقلال و تبعیت نکردن در مقابل زورگویی‌های امریکا را از خود نشان داد.

■ **نشانه‌های عقب‌نشینی از سایر تحریم‌ها**

سخنگوی دولت تصریح کرد: شکسته شدن حصر تسـلیحاتی کشـورمان به نوبه خـود نویدبخش عقب‌نشینی‌های دیگر از جمله رفع سایر تحریم‌های ظالمانه در همه عرصه‌های اقتصادی و مالی و بانکی و سایر اقلام بشری می‌تواند باشد. ربیعی همچنین گفت: به بیان روشن‌تر همان مقاومت و ایستادگی بر مواضع اصولی و حقوقی که زمینه‌ساز رفع تحریم تسلیحاتی شـد، در منتهای منطقی خود ثمرات دیگری در عرصه‌های اقتصـادی به دنبال خواهد داشـت که از هم اکنون واکنش سراسیمه تحریم گران و سـوداگران تنش را بر انگیخته اسـت. وی تأکید کرد: هوچی گـری تحریم‌گـر در باره رفع تحریم تسلیحاتی ریشـه در همین ایران هراسی دیوانه‌وار دارد. آنها خیلی خوب می‌دانند که ایرانیان در قرون اخیر هیچ‌گاه آغازگر تهاجم نظامی به هیچ کشوری نبوده‌اند.

■ **هـراس امریـکا از فروپاشـی سـازمان تحریم‌هاست**

سـخنگوی دولت با تأکید براینکه سـلاح ایرانی همواره پشتوانه صلح و امنیت سرزمینی و منطقه‌ای بوده است، خاطرنشان کرد: صریح‌تر بگوییم ایرانی‌ها عاشق سلاح نیستند عاشق صلح و ثبات و همزیستی و همکاری‌های منطقه برای توسعه پایدار هستند، سـلاح ایرانی فقط یکی از مؤلفه‌های ضروری در حوزه‌های دفاعی بوده است. قدرت دفاعی ایران یک قدرت ترکیبی و چندوجهی است که در ظل قدرت معنایی و تمدنی آن مفهوم اصلی خود را می‌یابد. وی گفت: بر این اساس در همه حوزه‌های منطقه‌ای در شمال و جنوب و شرق جغرافیای زیست خود، نقشی سازنده داشتیم، طی همین روزها، جهان و منطقه ما شاهد رفتار سازنده و صلح طلبانه ما در مناقشات منطقه‌ای قفقاز است. سـخنگوی دولت افزود: در یمن نیز ما توسعه‌طلبی و تجاوز را محکوم کرده‌ایم و خواهان مذاکره طرف‌ها برای صلح پایدار شده‌ایم. همه کشورهای منطقه را به پیمان‌های صلح دعوت کرده‌ایم و با تروریسـم و خشـونت و افراطی‌گری مبارزه بی‌امان و واقعی کرده‌ایم. ربیعی تأکید کرد: هراس امریکا یک هراس تسلیحاتی نیست، هراس از این است که رفع تحریم تسـلیحاتی رفع کلیه تحریم‌های ظالمانه دارویی و بانکی و اقلام بشری را در چشم‌انداز قابل رؤیت قرار داده است.

سخنگوی دولت در بخش دیگری از سخنان خود گفت: تحریم گران فکر می‌کردنـد با تحریم‌های بی‌سـابقه و بی‌نظیر، ایران به زانـو در خواهد آمد. اما خوشـبختانه امروز صنعتگـران، کارآفرینان و دیپلماسی اقتصادی فعال ما باعث شده که دولت دوازدهم آرزوی دیرین مبتنی بر درآمد ارزی بدون نفت را تا حدود زیادی محقق سازد. ربیعی تصریح کرد: یکی از هدف‌های اصلی تحریم کاهش صادرات و عدم دستیابی ایران به منابع ارزی برای تأمین موارد مورد نیاز بوده است. با این تحریم‌ها، دارو، تجهیزات پزشـکی و مواد غذایی در کانون تهدید جدی قرار گرفت، اما دولت استراتژی افزایش صادرات غیرنفتی را در دستور کار قرار داد و نتیجه‌بخش بود.

■ **امریکا مسـئول فروش افسار گسـیخته سلاح به منطقه**

سخنگوی دولت با تأکید براینکه دکترین معاملات تسلیحاتی ایران جدای از دکترین دفاعی نیست، گفت: امریکا باید در خصوص فروش افسار گسیخته تسلیحات به منطقه، مسئول و پاسخگو باشد. ربیعی با بیان اینکه امریکا را به خاطر فروش افسار گسیخته تسلیحات به منطقه مسئول و پاسخگو می‌دانیم، تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران قصد ندارد که به مسابقه تسلیحاتی در این منطقه که در خدمت منافع مالی شـرکت‌های تولیدکننده تسلیحات است، بپیوندد.

سخنگوی دولت در ادامه گفت: در حال حاضر در این زمینه برنامه‌ای خاص نداریم البته هر زمان که بر اساس نیازهای مشروع و معقول دفاعی لازم بدانیم و به همان ترتیبی که بر اساس عرف رایج بین‌المللی و حق ذاتی هر کشور در دفاع از خود فهمیده می‌شود، اقدام خواهیم کرد. وی با بیان اینکه ایران تاکنون هیچ جنگی را بـه راه نینداخته و معتقدیم امنیت با اراده مردم و خودکفایی محقق می‌شـود، افزود: در سـال‌هایی که تحت تحریم تسلیحاتی بودیم چاره‌ای جز تحقیق و توسـعه روی صنایع دفاعی بومی نداشتیم. پس از گذشـت این سال‌ها، امروز ما مزیت‌های بالایی در تولیـد محصولات خاص دفاعی داریم و حاضریم که در صورت تقاضا از سوی خریداران، به با شرایط خاص خود اقدام کنیم.

سـخنگوی دولت در پایان تأکید کرد: جمهوری اسـلامی ایران، خطوط قرمـز و ملاحظاتی برای معامـلات تسـلیحاتی خواهد داشـت. دکترین معاملات تسـلیحاتی ما جدای از دکترین دفاعی ما نیست.

گزارش ۲

کبری آسوپار

بازی دو سر باخت استعفا - استیضاح

چگونه برخی انقلابیون و برخی اصلاح‌طلبان در «رفتن روحانی» هم نظر شدند

آن‌سـو روزنامه اعتماد و عباس عبـدی و تعدادی رفقای اصلاح‌طلب‌شان ایسـتاده‌اند و بر استعفای حسن روحانی اصرار دارند، با این انگیزه که نگذاشتند دولت تدبیر و امید کار کند و بهتـر که کنار بروید؛ این‌سو تعدادی از نمایندگان مجلس و خیل عظیمی از فعالان مجازی منتقد دولت ایسـتاده‌اند مصر بر استیضاح و برکناری حسن روحانی با این انگیزه که دولت ناکارآمد است و توان اداره کشور را ندارد و بهتر که کنار گذاشته شـود؛ در میانه هم حسن روحانی ایسـتاده که در ظاهر نه توجهی به دلسـوزی‌های ظاهری آن سو دارد و نه اعتنایی به انتقادات این‌سو؛ روال همیشـه‌اش را پیش می‌بـرد و کار خودش را می‌کند و شاید هم وقتی از کار روزانه فراغت می‌یابد، با دستی زیر چانه، به جدال میان این دو گروه می‌نگرد و با خودش می‌گوید بد هم نیست؛ وقتی سرگرم و درگیر هم هستند، یادشان می‌رود مسکنی نساختیم، قیمتی کنترل نکردیم، انسولین بد توزیع شد، لبنیات و نان و حبوبات و برنج قیمتـش چندباره بالا رفت، حقوق نجومی دادیـم، ارز را حیـف و میل کردیم، خودروی بی کیفیت را چند برابر گران کردیم و در نهایت هم نه اعتبار به پاسـپورت ایرانـی دادیم، نه تحریم‌ها لغو شد، نه چرخ سانتریفیوژها چرخید، نه مردم از یارانه بی نیاز شدند و نه اختلافات داخلی و دوقطبی سازی‌ها کم شد ـ بلکه افزایش هم یافت.

هم از این رواست که در میان منتقدان دولت روحانی هم اکثریت با آنهایی است که می‌گویند روحانی باید تا روز آخر دولتش بماند. چرایی این نظر البته ارتباطی با «حمایت» از روحانی و دولتش ندارد بلکه از قضا چون پایان پیش از موعد دولـت روحانی را حربه‌ای برای فرار او و حامیانش از مسئولیت می‌دانند و از آنجایی که با این تحلیل مواجه هستند که استعفا یا برکناری رئیس جمهور در موقعیت کنونی کشور و منطقه، توطئه‌ای برای بی دولت سازی ایران – همچون بی دولت سازی لبنان و عراق – است، و طرح پیشنهاد استعفای روحانی از سوی برخی اصلاح‌طلبان را در این راستا می‌دانند، با آن مخالفت می‌کنند.

این میان، یک سؤال هم گرچه در حاشیه و کمرنگ، اما مهم و مورد غفلت وجود دارد و آن اینکه چه شد به اینجا رسیده‌ایم که سر رفتن و ماندن دولت و بلکه میان عده‌ای از مخالفان جـدی روحانی و موافقان پروپاقرص او صرفاً سـر «چرایی» رفتن او و نه اصل رفتنش دعواست.

■ **روزهای فرار**

اسـتعفایی کـه عبـدی و روزنامـه اعتمـاد و دوستان‌شان بر طبل آن می‌کوبند، از جنس همه فرافکنی‌ها و فرار از مسئولیت‌های اصلاح‌طلبان است. قهر سیاسی را می‌توان به درستی یکی از سیاسـت‌های محوری اصلاح‌طلبان دانست که به شـکل‌های مختلف و در زمان‌هـای مختلف بروز یافته و اصلاح‌طلبان نام آن را با بی سوادی و شاید هم شارلاتانیسم رسانه‌ای «کنش مدنی» گذاشته‌اند. در حاکمیت هستند و با حاکمیت و صندوق رأی قهر می‌کنند؛ اردوکشی خیابانی راه می‌اندازند؛ تحصـن می‌کنند؛ اعتبار انتخابات را بی دلیل و سند مخدوش می‌کنند و ... استعفای رئیس جمهور با محور «نگذاشتند کار کنیم» هم ایده‌ای تکراری است و در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی هم همین بازی‌ها را راه انداختند. همیشـه پایان کار دولت و مجلس اصلاح‌طلب که می‌رسـد، وقتی عمـق نارضایتی مـردم از عملکردشـان را می‌بینند و متوجه می‌شوند که پایگاه اجتماعی‌شـان دچار آسیب جدی شده، می‌گوینـد دیگران نگذاشـتند مـا کار کنیم و اختیارات کم بود و سنگ جلوی پایمان انداختند و کاندیدا نداشـتیم و رد صلاحیت شده بودند و اصلاً چرا به رئیس جمهور گفتید بالای چشمش ابرویی دارد و خلاصه زمین کج است!

اما اصلاح‌طلبانی کـه زمان خاتمی هـم از «کمی اختیارات رئیس جمهور» و «نگذاشتند کار کنیم» غوغا به پا کرده بودند، لاجرم در انتخابات‌های بعدی باید با سطح اختیارات رئیس جمهور آشنا می‌بودند و می‌دانستند برای رسیدن به چه مقامی و با چه حدی از اختیارات است که دارند تلاش می‌کنند. بنابراین باید بی‌رنگی حنای آنان را به مردم یادآور شد و فریب غوغاسالاری‌شان را نخورد.

■ **روزهای افراط**

اسـتیضاحی که برخی نمایندگان مجلس و فعالان مجازی و خواصی از انقلابیون بر آن دمیدند، هم جز شلوغی فضای سیاسی و اجتماعی جامعه در ۱۰ ماه پایانی عمر دولت روحانی ثمری نداشت. روند برگزاری استیضاح دو ماه طول می‌کشد و از سویی پس از آن هم در صورتی که نتیجه استیضاح، برکناری روحانی باشد، معاون اول (اسحاق جهانگیری) مسئولیت دولت را بر عهده می‌گیرد و در نهایت هم تا انتخابات زودهنگام بخواهد برگزار شود، عمر دولت تمام شده است.

این در حالی است که اصل استیضاح را درست بدانیم. اما دو سـؤال پیش روی ماسـت؛ اول آنکه چقدر از ظرفیت مجلس و جامعه با استیضاح همراه خواهند شد و اسـتیضاح‌کنندگان تا کجا خواهند توانست در فضای رسانه و اثبات درستی نظر خود حرفه‌ای و موفق عمل کنند؟ دوم آنکه فردای استیضاح چه خواهد شـد و کدام مشـکل از جامعه حل خواهد شد که با صبوری کردن در این ۱۰ ماه حل نخواهد شد؟ این میان، امکان آشوب افراطیون حامی دولت و نقش‌آفرینی سوءاسـتفاده کنندگان و رقم زدن روزهای بی‌دولتی برای کشور هم وجود دارد. همین روزهای بحث‌وجدل استیضاح را ببینیم؛ این انرژی صرف شده، چه سودی برای ملت داشت؟ در نهایت هم عضو هیئت رئیسـه مجلس خبر داد که بحث استیضاح منتفی است.

ویژه

مصائب توئیتری آقای دوربینی!

مصطفی تاج‌زاده از فعالان فتنه ۸۸ که مدتی اسـت به دلیل شهوت دیده شدن، نزد اهالی فضای مجازی به طعن و طنز به آقای دوربینی معروف شده‌است، روز گذشته در توئیتی مضحک که ناشی از فراموشی و زایل شدن حافظه تاریخی اوست، روند صعودی و افسار گسیخته دلار را ناشی از اراده‌های خارج از دولت روحانی توصیف کرد که متغیرهایی مانند پیروزی ترامپ، خروج از برجام، مخالفت با مذاکره (با همان ترامپ پاره کننده برجام) و آغاز مجلس یازدهم در آن نقش داشته‌اند. تاجزاده سپس نتیجه گرفت قیمت دلار نتیجه عملکرد مخالفان برجام، کاسـبان تحریم و جنگ است.

درباره منطق ضعیف و غیرقابل دفاع او از برجام همین بس که به اذعان دولتمردان روحانـی برجام پیش از خروج امریکا هم حاصلی جز «تقریباً هیچ» نداشته و این اعتراف بارها و بارها در مواضع دولتمردان تکرار شده‌است. روزی هم که امریکا از برجام خارج شد، موضع رئیس دولت برآمده از اصلاح‌طلبان این بود که موجودی مزاحم از برجام خارج شده از این بابت خوشحالم: «خوشحالم که یک موجود مزاحم از برجام خارج شده است» (روحانی: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷). بنابراین، مخالفت با مذاکره با چنین موجود مزاحمی آیا نشانه عقلانیت است یا دامن زدن به افزایش قیمت دلار؟

اتفاقاً اگر قرار باشد جریانی به صفت کاسب تحریم متصف شود، اصلاح‌طلبان از هر جریانی لایق‌تر و برازنده‌تر هستند. جریانی که تمام هفت سال گذشـته با اعتماد مردم کاسبی کردند. از رقیب سیاسی خود دیو ساختند و دلبر خود را «تضمین» کردند، چنانکه امضای دشمن درجه یک کشور را هم «تضمین» کرده بودند و اکنون که پس از هفت سال ناکارآمدی چک‌های اعتماد آنها یکی پس از دیگری برگشت خورده نقش شرخری برای خود تعریف کرده‌اند. روزی در سراب پیروزی نامزد دموکرات‌ها در امریکا با رؤیاهای خود خوشند و باز هم چک «کری» را تجدید تاریخ می‌کنند و روزی دیگر همه مشکلات و ناکارآمدی‌های دولت را حواله منتقدان می‌کنند. از یـاد نبرده‌ایم که همین تاجزاده در سرمقاله یکی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب نوشت: اگر روحانی نبود، دلار ۱۲ هزار تومان، سکه ۳ میلیون و پراید ۶۰ میلیون می‌شد. به قول ظریفی حالا هم که قیمت دلار و سکه را ۱۰ برابر کرده‌اند، به خیال خود مردم را کم حافظه می‌پندارند و مثلاً فرار به جلو می‌کنند. یک چیزی شنیده‌اند، سینه‌خیز رفتن از سر اجبار، اسمش فرار به جلو نیست. البته آدم حسابی، صد کیلومتر سینه‌خیز برود، بهتر از این بیچارگی و مذلتی است که امثال تاج‌زاده به جان خریده است.

یادداشت

محمدجواد اخوان

سودای صهیونیست‌ها در کرانه‌های ارس

همان‌گونه که بارها گفته شده، مناقشه قره‌باغ هرچند شبیه اختلافات ارضی موجود در سایر نقاط جهان مسئله‌ای دوجانبه است، اما هرگز نباید آن را فقط در چارچوب اختلافات میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان تحلیل کرد. در واقع، منافع برخی قدرت‌های فرامنطقه‌ای و اهداف برخی بازیگران مایل به نفوذ در منطقه، اگر بیشتر از تمایلات دو کشور نباشد، کمتر نیست. یکی از بازیگران ذی‌نفع در شرایط کنونی که البته به نوعی در هر دو سوی جبهه بازی می‌کند، رژیم اشغالگر قدس است.

اهمیت تاریخی منطقـه قفقاز برای صهیونیسـت‌ها (به‌عنـوان یکی از کانون‌های خاستگاه یهودیان اشکنازی) و نزدیکی آن به مرزهای جمهوری اسلامی ایران، سبب شد که از نخستین روزهای فروپاشی شوروی، طمع صهیونیسـت‌ها برای نفوذ در آن برانگیخته شـود. در ادامه نزدیک شدن هرچه بیشتر دولت باکو به تل‌آویو از یک‌سو و احساس خطر آنها از نزدیکی دو ملت مسلمان ایران و آذربایجان، جای پای بیشتری در قفقاز جنوبی برای این رژیم جعلی فراهم کرد. در سـال‌های اخیر مناطق شمال رود ارس به بهشتی برای فعالیت‌های جاسوسی و تروریستی رژیم اشغالگر قدس علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شـد و متأسفانه دولت باکو نیز بی‌توجه به حسن همجواری با همسایه جنوبی به این رویه ادامه داد. نکته قابل تأمل آنکه نفوذ این رژیم به دو طرف منازعه توسعه یافت، به گونه‌ای که با روی کار آمدن دولت غربگرا در ایروان، سفارت صهیونیست‌ها در پایتخت ارمنستان درست چند روز قبل از آغاز دوباره منازعه بازگشایی شد. اگر بگوییم صهیونیست‌ها بازیگر پنهان و سودبرنده از تداوم منازعه در منطقه هستند که به‌نوعی به هر دو طرف درگیر نزدیک شده‌اند.

در این میـان نکته‌ای که بـه لحاظ میدانـی در خور تأمل اسـت، نقش صهیونیست‌ها در هدایت مستقیم یا غیرمسـتقیم صحنه نبرد به سوی دلخواه خود است. درست است که پیشـروی در مناطق دشت و جلگه‌ای ساده‌تر اسـت و همین امر ارتش آذربایجان را مایل به پیشروی در حاشیه جنوبی منطقه مورد منازعه به جای تهاجم به عمق آن نموده، اما انتخاب دشت‌های جنوبی منطقه قره‌باغ که مشـرف به رودخانه ارس و مرزهای جمهوری اسـلامی ایران اسـت، به نظر تصادفی نبوده است. در حالی که مطابق دکترین‌های معمول جنگ طبیعی است که آذری‌ها استراتژی خود را صرف تضعیف عقبه راهبردی حریف (منطقه میان قره‌باغ کوهستانی و سرزمین ارمنسـتان) بکنند و در واقع تمرکز خود را بر جبهه شمالی نبرد بکنند، اما در حال پیشروی در کرانه‌های شمالی ارس هستند. در سوی دیگر عقب‌نشینی‌های مکرر و ضعف آشکار جبهه جنوبی ارمنستان این معنا را در ذهن متبادر می‌کند که اساساً دست هدایتگری در حال تغییری ژئوپلیتیک در حاشیه مرزهای جمهوری اسلامی ایران است.

برای روشن شدن موضوع کافی است به این نکته اشاره گردد که در مدت سه‌هفته‌ای که از شعله‌ور شـدن مجدد آتش جنگ می‌گذرد در حالی که پیشروی نیروهای آذری از خط آتش‌بس قبلی در بیشتر مناطق حداکثر به ۱۰ تا ۲۰ کیلومتر می‌رسد اما در کرانه‌های شمالی ارس (مجاور مرز ایران) حتی به بیش از ۵۰ کیلومتر نیز رسیده است، به گونه‌ای که خط تماس که در مجاورت مرزهای جمهوری اسلامی ایران در منطقه اصلاندوز بوده اکنون به «پل خداآفرین» است.

طبیعی است که از نظر جمهوری اسلامی ایران تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان لازم‌الرعایه است و اصل بازپس‌گیری سرزمین‌های این کشور مورد انتقاد نیست. آنچه موجبات نگرانی بیشتر را فراهم می‌کند، حضور بیشتر صهیونیست‌ها در مرزهای شـمالی جمهوری اسلامی ایران است. برای روشن شدن اهمیت موضوع کافی اسـت بدانیم طول مرز مشترک سرزمین‌های اشغالی فلسطین با لبنان تنها ۷۹ کیلومتر است و از همین طول مرز نسبتاً کوتاه، صهیونیست‌ها بارها به نقض تمامیت ارضی و هوایی و جاسوسی الکترونیکی پرداخته‌اند. اکنون تقریباً معادل همین فاصله به مرزهای مشترک ایران و همسایه آذری اضافه شده و بیم آن می‌رود اراضی خالی از سکنه این منطقه به بهشتی برای صهیونیست‌ها در جهت ایجاد ایستگاه‌های شنود و جاسوسی و ارسال پهپاد و ... علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود؛ موردی که مشابه آن پیش‌تر در منطقه تالش علیا و شمال مغان شاهد آن بوده‌ایم. از سویی می‌دانیم صهیونیست‌ها سابقه آشکاری در انتقال و حمایت از تروریست‌های تکفیری دارند که نمونه بارز آن در حمایت از تروریست‌های منطقه جولان سوریه رخ داد. در روزهای اخیر نشانه‌هایی از انتقال برخی از عناصر میدانی گروهک‌های سلفی تروریستی سابقاً فعال در سوریه به منازعه قفقاز دیده می‌شود. هرچند با تأسف باید گفت به جز صهیونیست‌ها برخی کشورهای ناکام در جنگ سوریه همچون ترکیه نیز در این ماجرا نقش‌آفرین هستند. بر این اساس حضور عناصر صهیونیست و نیز تروریست‌های تکفیری در مرزهای شمال غربی، تهدیدی جدی علیه امنیت ملی کشور تلقی می‌شود که باید هرچه زودتر برای آن چاره‌اندیشی کرد.

به‌طور کلی تداوم بی‌ثباتی و ناامنی در منطقه به سود کشورهای منطقه نبوده و در شرایطی که طرفین درگیر ظرفیت اتمام یکسویه جنگ به سود خود را ندارند، تنها برنده واقعی منازعه بازیگران خارج از منطقه و مایل به نفوذ است. بر همین مبنا است که جمهوری اسلامی ایران از پایان درگیری نظامی و حل مسئله از طریق مذاکره حمایت کرده است.

ممکن است برخی در داخل به دلیل برداشت ناقص از این گزاره که «قره‌باغ خاک اسلام است» و یا به دلیل خنثی‌سازی تبلیغات سوء گروهک‌های قومی، مواضعی در حمایت از یکی از طرفین درگیری را طرح نمایند، باید گفت که اولاً دولت تحت نفوذ صهیونیست‌ها در باکو را نمی‌توان مدعی صالحی برای یک سرزمین اسلامی دانسـت، ثانیاً خطر گسترش حضور جاسوس‌های صهیونیسـت در مرزهای شـمالی و یا تحرکات گروهک‌های تروریستی تکفیری تهدیدی جدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید و ثالثاً مواجهه با یک صحنه مورد مداخلـه بازیگران فرامنطقه‌ای پیچیدگی‌های خاص خود را دارد و به‌صرف بی‌اثرسازی تحرکات قوم‌گرایانه نمی‌توان در مورد این عرصه پیچیده اظهارنظر و موضع کرد.

خبر

انتقاد آیت‌الله نوری همدانی از تحریف کنندگان تاریخ اسلام

حاشیه‌سازی نکنید، مشکلات مردم را حل کنید

حضـرت آیـت‌الله نـوری همدانـی بـا انتقـاد از تحریـف زندگانـی اهـل بیـت(ع) بـه مسـئولان توصیـه کـرد که بـه جای حاشیه‌سـازی وقـت خـود را صرف حـل مشـکلات مـردم کنند.

به گزارش خبرگزاری رسـا، حضرت آیت‌الله نوری همدانی روز گذشته در دیدار فرمانده نیروی انتظامی گفت: امروز نقش نیروی انتظامی در ایجاد امنیت بسیار ممتاز است و خدمات بالایی دارد که باید تشکر کنم

این مرجع تقلید با اشاره به این موضوع که هر انسان دارای سه مسئولیت فردی و اجتماعی و شـغلی اسـت، افزود: ما در مقابل جامعه و همه مردم مسئولیت داریم و باید کمک کنیم و شـغلی که در اختیار داریم امانتی از جانب خدا برای خدمت به مردم تلقی کنیم که اشـرف عبادات خدمت به مردم اسـت. وی با بیان اینکه خدمت به مردم باید اولویت کار مسـئولان باشد، گفت: امروز گرانی و پایین بودن ارزش پول کشور مردم را آزار می‌دهد و مسئولان باید به فکر مردم باشند چرا که بخش عمده مشکلات مربوط به عدم مدیریت است و نباید به تحریم امریکا ربط داد. آیت‌الله نوری همدانی خطاب به مسئولان توصیه کرد که به جای حاشیه‌سازی وقتتان را صرف حل مشکلات مردم و خدمت کنید. وی ادامه داد: از ابتدای انقلاب اسلامی دشمن با تحریم به ملت ای